

شناسایی عوامل ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز در استان اردبیل و ارائه راهکارهای

پیشگیرانه

عادل عزیزی¹

تاریخ دریافت: 1397/10/28 تاریخ پذیرش: 1397/12/20

صفحه: 83-50

چکیده

افزایش بی‌رویهی جرایم و کج‌روی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حاد در بیشتر شهرها تبدیل شده است و از مهم‌ترین مسائلی است که اکثر جوامع به آن واکنش نشان می‌دهند. بر همین اساس تحقیق حاضر با عنوان شناسایی عوامل ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز در استان اردبیل و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و با هدف تعیین علل بروز جرایم خشونت‌آمیز در جامعه و یافتن راهکارهای پیشگیرانه انجام پذیرفت، این پژوهش با توجه به روش شناسی، از یک سوزن نوع مطالعات توصیفی و اکتشافی و از سوی دیگر با در نظر گرفتن نتایج آن، از نوع کاربردی نیز هست. شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را کارشناسان مرتبط به موضوع جرایم به تعداد 104 نفر بودند. جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته 57 سوالی استفاده گردید. داده‌های به دست آمده در محیط نرم افزار SPSS وارد و با استفاده از روش آماری آزمون تی و فریدمن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که تمام عوامل مورد بررسی شامل عوامل فردی، عوامل محیطی، عوامل خانوادگی، عوامل سازمانی و فرهنگی و اقتصادی بر ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز تاثیر معناداری دارند. نتایج اولویت بندی این عوامل هم نشان داد به ترتیب مولفه‌های فردی (5/48)، مولفه سازمانی (5/21)، مولفه محیطی (3/84)، مولفه فرهنگی (2/93)، مولفه خانوادگی (1/94) و مولفه اقتصادی (1/60) بیشترین اهمیت را در بین مولفه‌های موثر بر ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز داشته و در الویت‌های اول تا ششم قرار گرفتند.

کلمات کلیدی: جرم، خشونت، پیشگیری، اردبیل

¹. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل. (نویسنده سئول)

بیان مساله

چنانچه میزان ابتلاء جوامع بشری به یک موضوع خاص را یکی از معیارهای اهمیت آن موضوع بدانیم به جرأت می توان ادعا کرد که پرخاشگری¹ و خشونت از جمله مسائل عمده و با اهمیتی است که انسانها از گذشته های دور تاکنون به صورت گسترده ای با آن سرو کار داشته و دارند. نگاهی گذرا به آمار خیره کننده و روز افزون جنایات و درگیری هایی که در جوامع انسانی به وقوع می پیوندد - که بخش عمده ای از آنها ناشی از رفتارهای پرخاشگرانه است - مؤید این ادعا است. تحقیقات زیادی حاکی از آنست که وجود یک عامل ریسک در یک فرد به تنهایی نمی تواند موجب بروز رفتار ضد اجتماعی و خشونت بار بشود. عوامل متعددی لزوماً باید با هم ادغام شوند تا رفتار وی را شکل ویژه ای بخشند. عوامل ریسک به عواملی اطلاق می شوند که شواهد قوی برای ارتباط علمی آنها با یک مسأله یا پدیده خاص عواملی چون: بیکاری و فقدان درآمد کافی برای زندگی، به ویژه برای تأمین امکانات ورزشی، تفریحی و گذران سالم اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان که نیاز مبرم و انکارپذیری برای آن به مانند نیاز گیاه به آب، دارند. و یا شرایطی چون غربتی بودن، طرد شدگی، اخراج از مدرسه و یا اجبار در ترک تحصیل، احساس بی عدالتی، بی قدرتی اجتماعی نبود خانواده حمایت گر و قابل اتکا، احساس محرومیت / ناکامی در برآورده شدن خواسته ها و آمال کوچک و بزرگ و عواملی نظیر اینها می توانند فرد را در مسیر حوادث و شرایط نامطلوب و خطر آفرین قرار دهند. به ویژه اگر الگوهای یادگیری اجتماعی و گروه های نقش آفرین مناسبی در اختیار نباشد، احتمال الگوپذیری و مدل سازی منفی و ناسالم برای جوان فراهم تر می شود و زمینه مناسبی برای رفتارهای نابهنجار و ضد اجتماعی فراهم می گردد. عوامل حمایت کننده، از طرف دیگر، عواملی هستند که بالقوه احتمال درگیر شدن در رفتار خطر آفرین را کم

¹. Aggression

می‌کنند. این عوامل می‌توانند در سطح و ابعاد خطری که یک فرد آن را تجربه می‌کند تأثیرگذار باشند و یا می‌توانند در سطح و ابعاد خطری که یک فرد آن را تجربه می‌کند تأثیر داشته باشند و یا می‌توانند رابطه بین ریسک و بازده یک رفتار را تعدیل کنند، وجود دارد. یکی از راه‌های درک و شناخت پویایی بین عوامل ریسک و حمایت‌کننده امنیت که این عوامل را در چارچوب اکولوژیک یا زیست محیطی مورد توجه قرار دهیم و با استفاده از یک مدل اکولوژیک می‌توان تشخیص داد که هر فرد در چارچوب شبکه پیچیده‌ای از زمینه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیط زندگی خود عمل می‌کند که روی ظرفیتش برای احتراز از ریسک تأثیرگذار است.

جرم پدیده‌ای است که در تمام جوامع گذشته و کنونی وجود داشته و دارد. با این وجود دائمی و عمومی بودن به معنی یکسان و یک‌شکل بودن جرم در بین آن‌ها نیست بلکه از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت می‌کند. افزایش بی‌رویه‌ی جرایم و کج‌روی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حاد در بیشتر شهرها تبدیل شده است و از مهم‌ترین مسائلی است که اکثر جوامع به آن واکنش نشان می‌دهند تغییرات اجتماعی اقتصادی هر چه بیشتر جوامع پیامدهای مثبت و منفی، هر دو را به همراه دارند اما پیامدهای منفی باری سنگین به دوش مسئولان هر جامعه می‌گذارند. جرم و انحرافات اجتماعی از پیامدهای منفی عمده‌ای است که بر رفاه افراد، خانواده‌ها و جوامع تأثیر بسیار می‌گذارند. هرچند که چهره‌ی جوامع امروزی بر اثر رشد و توسعه‌ی روزافزون ارتباطات، اطلاعات و صنعت تحول پیدا کرده است اما روابط افراد در چنین جوامعی با این رشد شتابان همساز نبوده و تناقضات و تضادهای مختلفی را در جامعه ایجاد نموده است. فقر و نداری، بیکاری، عدم امنیت شغلی، گسستگی و تضعیف هنجارهای اجتماعی، کاهش کنترل‌های اجتماعی و ... باعث شکل‌گیری تعارضات

اجتماعی گردیده است که خود این عوامل منجر به سوق دادن و کشش فرد به سمت ناهنجاری‌ها، انحرافات اجتماعی و جرایم شده است (محسنی تبریزی، 1389). تولد حقوق کیفری شکلی و ماهوی مدرن در یک فضای فکری جرم مدارا نه در اوایل سده نوزدهم صورت گرفت. این فضای فکری که بیش از یک قرن بر سیاست کیفری کشورها حاکم بود، منبعث از آثار اندیشمندانی مانند بکاریا و بنتام به عنوان حقوق جزای کلاسیک مطرح می‌شد. در حقوق جزای کلاسیک مفاهیم متداول در حقوق جزای کلاسیک و نحوه اقدام قضات در تعیین کیفر با انتقادات اساسی روبرو شد. از دیدگاه مکتب تحقیقی ابتدای عمل جناحی بر اختیار با نظریه علمی مطابقت ندارد. نحوه نگرش علمی این مکتب به جرم، زمینه پیدایش رشته جرم‌شناسی را به وجود آورد. رسالت این علم دریافتن علل بزهکاری است تا از طریق از بین بردن زمینه‌ها و علل تکوین جرم روند رو به رشد جرایم مهار گردد (موسوی فرد، 1396). خشونت یکی از آسیب‌های عمده در جهان امروز است که معمولاً توسط کنش گران فردی یا جمعی، علیه خود (خودکشی یا خودآزاری) یا علیه دیگری (دیگرکشی یا دیگرآزاری) اعمال می‌شود. خشونت ماهیتی اجتماعی دارد و بیش‌تر در تعاملات بین شخصی و بین گروهی صورت می‌گیرد اما به صورت‌های متفاوت فیزیکی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظیر قتل، ضرب و جرح، ترور، جنگ، تهدید، تخریب، هتک حرمت، تحقیر، توهین، فحاشی و ... نمود پیدا می‌کند و امنیت اجتماعی و گروهی افراد را مورد تهدید قرار می‌دهد (عبداللهی، 1381) خشونت مفهومی وسیع و دارای معانی گوناگونی است و هر جامعه طیفی از خشونت‌های خاص و پذیرفتنی را در درون خود مشخص کرده و حساسیت خود را متوجه انواع دیگر این پدیده می‌سازد (وایت، 1383). منظور از خشونت رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر، توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی‌های طرف مقابل و قتل او گسترده است (صدیق

سروستانی، 1388) تمام جوامع امروزی با مسئله خشونت مواجه‌اند اما آنچه که امروزه نگرانی جوامع را موجب شده همان وسعت و دامنه خشونت است. در ایران نیز جهش ناگهانی خشونت در شهرهای بزرگ در آمار و ارقام خودنمایی می‌کند. رئیس مرکز آمار و فن آوری قوه قضاییه طی گفتگویی با خبرگزاری فارس در دی‌ماه سال 1389 ضرب و جرح عمدی را در رأس جرایم کشور عنوان می‌کند. گسترش دامنه خشونت و پرخاشگری، به‌ویژه در سال‌های اخیر در جامعه ایران یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. خشونت را می‌توان به‌طور روزافزونی در برخوردهای بین افراد (خشونت علیه زنان و کودکان در خانواده و جامعه و حتی قتل، همسر کشی و کودک‌آزاری، اهانت به دیگران و خشونت علیه اموال و...) در جامعه مشاهده کرد و ما هرروز شاهد تظاهر آن در محیط مدرسه، زمین ورزشی، خانه و خیابان و امثال آن هستیم (پورچیت‌ساز، 1386). نتیجه بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که در ایران پیمایش ملی جامعی در زمینه پرخاشگری یا خشونت صورت نگرفته (بیش‌تر تحقیقات انجام‌شده در این زمینه به خشونت‌های خانوادگی از جمله خشونت علیه زنان و کودکان و همسر کشی پرداخته‌اند) اما بر اساس اطلاعات به‌دست آمده می‌توان گفت که میزان آن در طول چند دهه اخیر خصوصاً در بین جوانان دارای روند افزایشی بوده است (عبدالهی، 1381). ساعدی و همکاران (1392) معتقدند که گرایش به جرایم با برخی از عوامل عمده از جمله: ازهم‌پاشیدگی هنجارها، عدم تحقق اهداف با استفاده از مقدرات، الگوهای رفتاری نامناسب، احساس محرومیت نسبی، آموزش در سطح پایین، محیط اجتماعی نامناسب، ارتباطات فرهنگی و تحول فرهنگی مداوم و شرایط اقتصادی ناسالم از منظر مقامات و کارشناسان دینی، قضایی، انتظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رابطه دارد. علمی و همکاران (1390) نیز عدم دل‌بستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر فرزندان، تضاد والدین باهم، بدرفتاری والدین با فرزندان، داشتن دوستان بزه‌کار و عدم پایبندی به

دستورات اخلاقی را از عوامل مهم در ارتکاب به جرایم خشونت آمیز می‌دانند. یوسف وند (1394) نیز معتقد است که بیکاری، کاهش خدمات بهداشتی، نابرابری اقتصادی و رشد صنعتی از عوامل زمینه‌ساز برای ارتکاب به جرایم خشونت آمیز می‌باشد. محسنی تبریزی نیز عدم موفقیت تحصیلی، خشونت در خانواده، ازهم گسیختگی خانوادگی، بزهکاری والدین، یادگیری جرایم از طریق رسانه‌ها، داشتن دوستان ناباب، داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت و ولنگاری پدر مجرمین را عوامل ارتکاب به جرایم خشونت آمیز می‌داند (محسنی تبریزی، 1386). شهر اردبیل طی چند دهه اخیر به علت موقعیت خاص طبیعی، اجتماعی و اقتصادی که این شهر از آن برخوردار بوده و همچنین به دلیل مرکزیت اداری، سیاسی در سطح استان اردبیل، دست به توسعه فیزیکی گسترده‌ای زده و همه‌ساله سرریزهای جمعیتی شهرستان‌های پیرامونی خود را جذب می‌نماید. آمارها بیانگر این است که شهر اردبیل به تنهایی سه برابر جمعیت اضافه‌شده به آمار استان، طی سال‌های 1385 تا 1390 به تعداد جمعیت خود افزوده است (نرخ رشدی برابر با 3.01 و افزایش جمعیتی بالغ بر 66891 نفر) (تحلیلی از نتایج سرشماری مرکز آمار ایران، 1390). این رشد شتابان جمعیت که ناشی از مهاجرت از شهرها و روستاهای استان به مرکز و رشد طبیعی جمعیت بوده است به توسعه فیزیکی گسترده شهر اردبیل در دهه‌های اخیر علی‌الخصوص از سال 1372 به بعد منجر شده است. با توجه به هجوم وارد شده بر شهر و تقاضای روزافزون مسکن توسط مهاجرین، مدیریت شهری توان پاسخگویی به این نیازها را از دست می‌دهد و شهرنشینان جدید نیازهای خود را در قالب حاشیه‌نشینی برآورده می‌کنند. الگوی سکونت‌ی که به مشخصه بارز اکثر مناطق پیرامونی شهر اردبیل تبدیل شده است. این مسئله به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های متنوع در مناطق حاشیه‌ای و تازه توسعه‌یافته شهر منجر شده و با توجه به ویژگی‌هایی چون گمنامی، عدم حس تعلق و مسئولیت در تازه واردان و همچنین عارضه‌های ناشی از تراکم بیش‌ازحد در واحد سطح موجب

بروز انواع ناهنجاری‌ها (از جمله درگیری‌های خیابانی، سرقت و انواع قانون‌شکنی‌های دیگر) شده است. با توجه به مطالب فوق تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال خواهد بود که چه عواملی در گرایش به جرایم خشونت آمیز در شهر اردبیل مؤثر بوده و چه راهکارهای پیشگیرانه‌ای می‌توان برای آن ارائه نمود؟

مبانی نظری

تعریف جرم

به انجام عمل یا ترک فعلی که قانون برای آن تعیین مجازات کرده باشد، جرم گفته می‌شود (بیورانی و غفران، 1388). از یک دید کلی جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی و درمانی) قرار می‌دهد. به عبارت دیگر به هر عمل یا ترک عملی که در قانون پیش‌بینی شده و برای آن ضمانت اجرایی کیفری (مجازات) در نظر گرفته شده است، جرم اطلاق می‌شود. قانونگذاران در ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1361 تعریف جرم را چنین ذکر کرده‌اند: هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌شود و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده است. "ضمناً در ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب 7 آذر ماه 1375 کمیسیون امور قضایی و حقوقی و مجمع تشخیص مصلحت نظام "جرم" بدین شرح تعریف شده است: "هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود (کلانتری و همکاران، 1393). مجرم نیز به کسی اطلاق می‌شود که مرتکب جنایت یا یکی از جرایم تصریح شده در قانون شود و به موجب مقررات برای آن عمل مجازات تعیین شده باشد. به بیان دیگر انجام فعل مجرمانه یا ترک فعلی که ترک آن جرم است، موجب تولد مجرم می‌گردد (کلانتری، 1380). فرهنگ حقوقی آکسفورد جرم را عملی و یا گاهی اوقات قصور در انجام عملی می‌داند که توسط قانون

موضوعه یا کامن لا (Common Law) خطای عمومی (public wrong) فرض شده و به وسیله دولت و طی یک جریان دادرسی قابل مجازات است. (فرهنگ لغات آکسفورد، 2010)

جرم شناسی

علم جرم شناسی، پدیده بزهکاری، عوامل یا اوضاع و احوال و مقتضیات فردی و اجتماعی و محیطی که در بروز رفتار جنایی و حالت عمومی تبهکاری اثر داشته و یا در آن سهمیم بوده است را بررسی می کند. همچنین در این علم جهت مبارزه با بزهکاری و پیشگیری مستقیم از وقوع جرم راهکارهای علمی ارائه می شود. ضمناً بررسی های مربوط به اصلاح قوانین آیین دادرسی، نوع مجازات و کیفیت اجرای آن و روش های درمان جرم قسمت دیگر این علم را تشکیل می دهد (کلانتری و همکاران، 1393). بررسی های جرم شناسی نشان می دهد که هر عملی علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود بوجود نمی آید. بنابراین هر جرمی هم دارای علل سازنده ای است که بر روی فرد اثر می گذارد و او را بسوی ناسازگاری و نابهنجاری سوق می دهد. پیامد این سوق دادن ها ارتکاب خطاست و خاطی را به یک تعبیر بزهکار می نامند (عباس زاده گروسی، 1386).

پیوستار مجرمیت

حتی اگر ما موافق این باشیم که دسته ای از رفتارها معیار جرم بودن را داشته باشد، خط نقطه برش برای جدا کردن رفتار مجرمانه و غیر مجرمانه به طور دقیق مشخص نشده است. به مانند بسیاری از ویژگی های فردی و هوش، اضطراب، اعتماد به نفس و ... جرم نیز تحت یک پیوستار مفهوم سازی شده است. همچنین، مانند سایر ویژگی ها، مجرمیت نیز دارای توزیع نرمال است. بدین گونه که اکثر افراد در نواحی میانی پیوستار قرار دارند، در حالی که نسبت کمتری از افراد در طرفین پیوستار (افرادی که به شدت از قانون پیروی می کنند و افرادی که شدیداً مجرم هستند) قرار دارند. بنابراین، هر یک از افراد در برخی از اوقات قانون شکنی می کنند (یا مرتکب عمل ضد اجتماعی می شوند).

آن‌ها ممکن است در پرداخت مالیات تقلب کنند، لوازم التحریر اداره را به منزل ببرند، از مغازه‌دار به طور آگاهانه پول بیشتری دریافت کنند، کالاهای پیدا شده را نگهداری کنند، از چراغ قرمز عبور کنند و از این قبیل موارد. بدیهی است که بسیاری از این تخلفات بی اهمیت هستند و ممکن است افراد به ندرت مرتکب آن‌ها شوند. در چنین شرایطی، ما افراد را به عنوان مجرم واقعی در نظر نمی‌گیریم. به مراتبی که تخلفات روی داده از یک فرد، بسیار جدی و فراوان شود، آنگاه است که فرض می‌شود که سطوح مجرمیت آن‌ها افزایش یافته است. هر چند که هیچ نقطه برش آشکار وجود ندارد که فرد دارای معیارهای مجرمیت تشخیص داده شود و به ناچار محققان و کلینیسین‌ها نیاز به تصمیم‌های عملی برای ترسیم خط جدا کننده هستند (ورتلی، 2011).

خشونت

معنای لغوی و اصطلاحی خشونت: در باب خشونت، با توجه به ابعاد گوناگون آن، هنوز معنای مورد توافق و عامی وجود ندارد، و این واژه از چنان تعدد معنایی برخوردار است که به ما امکان اراییه تعریفی جامع و مانع نمی‌دهد. یکی از صاحب نظران¹ می‌گوید: اصطلاحات «قدرت یا اقتدار»²، «تیرو»³، «زور»⁴، «مقام یا اختیار»⁵ و نهایتاً «خشونت»⁶ هر کدام بر پایداری متفاوت و متمایز دلالت می‌کند که اگر وجود نداشت آن لفظ هم نبود. در محاورات جاری برای معانی ضمنی این واژه‌ها وزن چندانی قایل نگردیده‌اند و حتی گاهی متفکران نیز آنها را به طور اتفاقی و بدون قاعده به کار می‌برند. شیوه انصاف این است که فرض شود هر واژه به خاصیتی دیگر دلالت دارد لذا معنای آن باید با توجه

1 . H. Arendt

2 . Power

3 . Strength

4 . Force

5 . Authority

6 . Violence

به دستور منطقی زبان و دور نمای تاریخی به دقت مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.
(هانا، 1359)

خشونت معادل انگلیسی "Violentas" اطلاق می‌شد که تشکیل شده است از y و Violent + ia و دارای معنای زیر است: 1- اعمال هر نیروی فیزیکی به نحوی که سبب جراحت یا سوء استفاده شود. 2. صدمه به شکل فلج ساختن، معلول کردن و ناکارآمد ساختن یک چیز. 3. عمل یا نیروی خشونت آمیز یا احساس بیان تهدید آمیز و ویران کننده 4- تغییر و تعریف بدون بیان یا حس مثلاً چاپ یا تفسیر یک متن. این واژه در زبان فرانسه با تلفظ فارسی «ویولانس» از ریشه فعلی (Violer) و به معنای اجبار، اکراه، تهدید، فشار، تعدی و اعمال زور آمده است. (کاتبی، 1373) در فرهنگ حقوقی Black به معنای استفاده نابجا، غیر قانونی و تعرض آمیز از قدرت آمده است که یک نوع آن سوء استفاده از قدرتی است که علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی به کار گرفته می‌شود و در خصوص جرایم خشونت آمیز¹ به جرایمی اشاره دارد که جنبه‌های جسمانی بی‌نهایت شدیدی دارد و این خصیصه به عنوان ساختار مجرمانه بودن اعمال مزبور ضروری دانسته شده است مانند قتل عمد، تجاوز به عنف، ضرب و جرح و ...
(کمپل بل، 1998)

دیدگاه‌های مربوط به جرم

در مورد تبیین دلایل وقوع جرم دو دیدگاه رایج و مسلط وجود دارد: یکی دیدگاهی که بر عوامل اجتماعی کلان تأکید می‌کند و دیگری دیدگاهی که بر عوامل فردی تأکید دارد. برخلاف دیدگاه فردی که معتقد است میزان جرایم محصول رفتارهای انحرافی تک تک افراد جامعه است، در دیدگاه‌های کلان بر نقش جامعه و ساختارهای اجتماعی تأکید می‌شود. دیدگاه قشربندی اجتماعی، معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه گرچه سابقه طولانی دارد،

¹ . Violence offences

اما دو نسخه فرعی آن بر تحقیقات مختلف درباره وضعیت اقتصادی اقشار اجتماعی و جرم تسلط داشتند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می شود، بر تأثیر جرمزای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است که ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیرنشین است. علاوه بر این، مدل فقر مطلق تأکید می کند که تأثیرات استرسزا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی هایی را ایجاد می کند که از طریق خشونت های جسمی و فیزیکی ابراز می شود (حکمت نیا و افشانی، 1389). در این صورت می توان انتظار داشت که میزان بالای فقر، طی پروسه ای به وقوع بیشتر جرایم خشن در شهرها منجر شود.

نسخه دیگری از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می شود که بیشتر بر ابعاد جرم شناختی نابرابری اقتصادی - اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق. ایده اساسی مورد تأکید در این دیدگاه، آن است که افراد موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می کنند و زمانی که افراد احساس کنند، دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقایسه با آنها دار اختیار دارند، احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت در آنها پیدا می شود. این احساس محرومیت، به ویژه زمانی تشدید می گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی شان، احساس کنند (حکمت نیا و افشانی، 1389). در این صورت دست به اقدامات تخریب گرایانه و جرایم خشن می زنند تا (1) اعتراض خود را نسبت به ناعدالتی هایی که جامعه و ساختار اجتماعی به آنها تحمیل کرده است، ابراز دارند و (2) نابرابری بین خود و سایر اقشار را با ضرر زدن به آنها جبران نمایند.

نظریه فشار دیگر نظریه ای است که در رابطه با تبیین علل وقوع جرایم به تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی جامعه و تأثیر آن در وقوع جرایم خشن تمسک می جوید. بنیان این نظریه به بلو که شدن فرصت های اقتصادی - اجتماعی به عنوان عاملی در بروز جرم و

بزهکاری توجه می کنند. براساس این نظریه، زمانی که افراد نتوانند در کسب اهداف مورد نظرشان (نظیر کسب درآمد، پیشرفت تحصیلی و جز آن) موفق شوند، با فشارهایی مواجه می گردند. در شرایط خاصی، برای واکنش به این فشارها، احتمال ارتکاب جرم افزایش می یابد. رابرت اگنیو¹، نسخه اصلاح شده ای از نظریه فشار را با عنوان نظریه عمومی فشار مطرح می کند. به نظر رابرت اگنیو، الف) شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت؛ ب) فقدان انگیزه های ارزشمند مثبت و ج) وجود انگیزه های منفی، از منابع عمده فشار به شمار می آیند (حکمت نیا و افشانی، 1389).

نظریه های غریزی پرخاشگری

این دیدگاه نسبت به دو دیدگاه دیگر قدیمی است. ارائه دهندگان این نظریه معتقد به ذاتی بودن پرخاشگری در انسان هستند که از جمله آنها می توان به فروید و لورنز اشاره کرد.

الف) نظریه فروید: فروید معتقد بود که تمام رفتارهای انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم از غریزه زندگی (شهوایی) نشأت می گیرد ولی بعد از جنگ جهانی اول، غریزه مرگ را مطرح می کند که انرژی خود را از قدرت تخریب زایی زندگی می گیرد. بدین ترتیب تدریجاً موضع ناامیدانه تری درباره ماهیت پرخاشگری انسان پیدا می کند. بنا به این نظریه، اساس پرخاشگری از سوی قدرت خود تخریبی غریزه مرگ است که تغییر شکل یافته و متوجه دیگران یا اشیاء می شود. بدین طریق کسانی که در طول زندگی خود راههای گوناگون تخلیه هیجانی را نیاموخته باشند، موفقیت چندانی در کنترل رفتار پرخاشگرانه خود بدست نمی آورند (به نقل از محمدی، 1381).

ب) نظریه لورنز: به نظر لورنز، پرخاشگری برای حفظ حیات انسان و گونه های دیگر حیوانات به کار می رود. ولی ظاهراً هر موجود زنده ای رفتار پرخاشگرانه تری به طرف موجودات هم نوع خود دارد، تا به سوی سایر انواع. هدف اصلی این پرخاشگری تامین

¹ - R.Agnew

فضای زیستی کافی برای زندگی موجودات یک نوع می باشد. لورنز می گوید که پرخاشگری بین فردی در حیوانات نقش حیاتی و مفیدی را ایفا می کند و لزوماً مخرب و غیر طبیعی نمی باشد. اما در مورد انسان چنین نیست و پرخاشگری گاهی برای هدف های غیر طبیعی مورد استفاده قرار می گیرد. چون انسان به مرحله ای رسیده است که گرسنگی، سرما یا خورده شدن توسط سایر حیوانات، خطر اساسی تلقی نمی شود، در عوض تصاحب پول و تفاخر، جزء نیازهای اساسی بشر در آمده است. لورنز معتقد است اگر انرژی هیدرولیکی به شکل مطلوب و صحیح مثلاً از طریق ورزشها تخلیه شود، جنبه سازندگی خواهد داشت، در غیر این صورت به گونه ای مخرب تخلیه می شود که اعمالی نظیر ضرب و شتم، قتل و تخریب از آن جمله اند (به نقل از محمدی، 1381). برای نظریه های غریزه پرخاشگری انتقاداتی وارد شده است که از جمله اینکه، نمی توان رفتار انسان را مانند رفتار حیوان دانست و دیگری اینکه، نقش عوامل شناختی و اجتماعی در این نظریه ها نادیده گرفته شده است. امروزه این دیدگاه طرفداران جدی ندارد.

نظریه های پرخاشگری به عنوان یک کشش برانگیخته شده

در این بحث به دو دیدگاه اشاره می شود:

الف) نظریه ناکامی - پرخاشگری: بر اساس این نظریه میان پرخاشگری و ناکامی دو رابطه اصولی می توان تصور کرد، اولی اینکه پرخاشگری در نتیجه ناکامی بروز می کند (پرخاشگری علیه مانع) و دومی متوجه شدن پرخاشگری فرد ناکام به سایر افراد و وسایل است. کریمی (1387) در این خصوص بیان می کند که بر اساس اعتقادات نظریه پردازان انگیزش، ناکامی یک علت اساسی پرخاشگری است که حالتی از برانگیختگی را در شخص به وجود می آورد که در حضور قرینه های مناسب ظاهر می شود، در نتیجه برای کنترل پرخاشگری باید به راه هایی بیندیشیم که می توانند ناکامی را کم کنند.

ب) اتکینسون (1996؛ ترجمه نوابی نژاد، 1371) بر این باور است که اساسی ترین احساساتی که آدمی تجربه می کند عبارتند از انگیزه ها (مانند گرسنگی و میل جنسی) و هیجان ها (مانند خشم و شادی). این دو رابطه تنگاتنگی با هم دارند. هیجان ها (خشم) مانند انگیزه های اساسی می توانند رفتار را فعال سازند، هدایت کنند و ممکن است با رفتار برخاسته از انگیزش همراه باشند. مانند میل جنسی که هم انگیزه نیرومندی است و هم منبع بالقوه شادی. این دو تفاوت هایی هم با هم دارند. اول اینکه هیجان ها (مانند خشم) را محرک بیرونی (محیطی) فرا می خوانند در حالی که انگیزه ها (مانند گرسنگی) منشأ درونی دارند. دوم اینکه، انگیزه ها را معمولاً نیاز معینی فرا می خوانند در حالی که محرک های بسیار زیادی می توانند هیجان ها را فرا خوانند (عوامل زیادی باعث خشم می شود). به این گروه از نظریه ها نیز انتقاداتی وارد شده است از جمله اینکه رفتار پرخاشگرانه صرفاً نتیجه ناکامی نبوده و عوامل دیگری نیز اغلب در بروز آن دخیل هستند.

نظریه های مرتبط با یادگیری اجتماعی پرخاشگری

الف) نظریه بندورا (1977، به نقل از محمدی، 1381): بندورا به عنوان سردسته این طرز تفکر، مطرح می کند که در به وجود آمدن رفتار پرخاشگرانه شخص، بایستی ارتباط با شرایط زمینه ای که در آن با افراد دیگر ارتباط دارد، مورد بررسی قرار گیرد. طبق این نظریه پرخاشگری از طریق مشاهده، تخلیه و بیشتر از طریق تقویت رفتار پرخاشگرانه اتفاق می افتد. همچنین در این دیدگاه به نقش یادگیری ها و تجارب قبلی در بروز رفتار پرخاشگرانه اهمیت داده می شود.

تبیین های دیگری که در زمینه رفتارهای انحرافی ارائه شده است مربوط به دیدگاه روانشناختی می باشد. «نظریه های روان شناسانه و روان پزشکی، شخصیت مجرم را در تبیین های شان از رفتار مجرمانه می گنجانند.» (ولد و همکاران، 2002؛ ترجمه شجاعی، 1394). روانشناسان و

روانکاوان، نقص شخصیت فرد کجرو را علل رفتارهای انحرافی تبیین نموده و بر این باورند که برخی از گونه های شخصیت، بیشتر از گونه های دیگر به تبهکاری و ارتکاب جرم گرایش دارند.

از پیشروان این نظریه زیگموند فروید است. وی که به پدر علم روانکاوی معروف است در تحلیل روانکاوانه اش از مفاهیمی مانند غریزه جنسی و پرخاشگری، عقده اودیپ استفاده کرده، معتقد بود که نهاده خود یا من، فرامن یا فراخود سه عامل اساسی مؤثر در ساختار شخصیت می باشند. از نظر فروید انحراف جنسی و اعتیاد به الکل و مواد مخدر، فحشاء، دزدی و قتل و کمبودهای روانی از انواع روان رنجوری هستند. وی بیشتر به دوران کودکی به ویژه سنین 2 تا 6 سالگی توجه می کند و علت روان رنجوری را در عدم جامعه پذیری درست انسان در دوران کودکی می داند که حاصل توسعه نیافتگی و نقصان من برتر می باشد.

رهیافت یا دیدگاه دیگر که مربوط به مسأله شخصیت می باشد از هانس آیزنک است. نظریه ایشان این است که سه بعد شخصیتی عمده وجود دارد: روانی بودن، برون نگری، داشتن اختلالات عصبی. بزهکاری به طور عمومی در ارتباط با درجات بالای این سه بعد است (ویلیامز و مک شین، 2004؛ ترجمه ملک محمدی، 1388).

عوامل تعیین کننده پرخاشگری و خشونت

کاپلان و سادوک (2007؛ ترجمه رضاعی، 1387) عوامل مؤثر در بروز پرخاشگری و خشونت را به شرح زیر بیان می کنند:

الف) عوامل اجتماعی (ناکامی، تحریک مستقیم از طرف دیگران، مواجه شدن با مدل های پرخاشگر)

الف) تعیین کننده های اجتماعی و پرخاشگری

ناکامی: اشاره به شرایطی است که فردی می خواهد به اهداف مطلوب اش برسد، لیکن درمی یابد که راه رسیدن به هدفش توسط مانعی سد شده است. در این حالت رفتارهایی

از قبیل آزار، اذیت، جنایت به طرف شخص یا موضوعی که منبع ناکامی تصور می شود بروز می کند. البته دو نکته را باید در نظر گرفت اول اینکه، پرخاشگری همیشه نتیجه حتمی ناکامی نیست و دوم اینکه مقدار زیاد ناکامی، مشکل زا می باشد ولی مقداری ناکامی، در به وجود آوردن شخصیت مصمم و با اراده مناسب است. تحریک مستقیم از طرف دیگران (تحریکات بدنی و کلامی): اگر فرد مورد بدرفتاری جسمی و تمسخر کلامی قرار گیرد، معمولاً اعمال پرخاشگرانه در وی برانگیخته می شود و اگر پرخاشگری آغاز شود، اغلب از الگوی تشدید بی امان پیروی می کند و در نتیجه حتی یک بدگویی مختصر یا نگاه چپ هم می تواند فرایندی را به راه اندازد که طرفین دم به دم یکدیگر را بیشتر برنجانند. کودکان می توانند به سرعت بیاموزند که حمله متقابل به فردی که آنان را آزار داده است به زودی به آزار فرد پایان خواهد داد. همچنین قربانی حمله، به تجربه خواهد آموخت که حمله کند و به احتمال زیاد در آینده، خود آغازگر حمله خواهد بود.

مواجه شدن با مدل پرخاشگر: غالباً انسان‌ها از عمل و گفتار دیگران تأثیر می پذیرند و فرد در گروه، عقاید و نگرشهای خود را متناسب با گروه تغییر می دهد. این تأثیر پذیری هم می تواند از یک سو منطقی باشد و از سوی دیگر عاطفی. ولی نتایج تحقیقات تأکید دارند که بیشترین تأثیرات اجتماعی غیرمنطقی می باشد. اتکینسون (1996؛ ترجمه نوابی نژاد، 1371) معتقدند، پرخاشگری مانند هر پاسخ دیگر می تواند از طریق تقلید آموخته شود. بررسیها نشان می دهد که مشاهده سرمشکهای پرخاشگری زنده یا فیلمبرداری شده، احتمال پرخاشگری را در بیننده افزایش می دهد.

ب) تعیین کننده های محیطی پرخاشگری

تأثیر آلودگی هوا و گرما: آلودگی محیطی، ممکن است برافروختگی افراد و در نتیجه پرخاش آنها را افزایش دهد. همچنین وقتی افراد تحت شرایط گرمای طاقت فرسای

بیش از اندازه قرار می گیرند، احساس ناراحتی کرده و در مقابل دیگران، واکنش منفی نشان می دهند.

تأثیر سر و صدا: افرادی که در محیطی با سر و صدای بلند به سر می برند، شدیدتر از بقیه حمله می کنند و این آمادگی را دارند که در مقابل کوچکترین عکس العمل از جانب دیگران، بیشترین پرخاشگری را از خود نشان دهند. تأثیر ازدحام: اگر افرادی به طور معمول واکنشهای منفی نظیر دلخوری، برافروختگی و سرخوردگی داشته باشند، شلوغی ممکن است احتمال فوران پرخاشگری را در آنها افزایش دهد. همچنین اگر نگرش فرد نسبت به شلوغی محیط منفی باشد، شلوغی باعث پرخاشگری می شود.

ج) تعیین کننده های موقعیتی

بالا بودن سطح تحریک فیزیولوژیک: افزایش سطح برانگیختگی به هر دلیل (شرکت در فعالیت های رقابتی، ورزش شدید، دیدن فیلمهای شهوانی) پرخاشگری را افزایش می دهد.

تحریک جنسی: تماشای صحنه های وقیح پرخاشگری را تشدید می کند. زیست شناسان می گویند، بیشترین تغییراتی که هنگام پرخاشگری در بدن و اعمال آن روی می دهد، همان هایی هستند که هنگام به کار افتادن امیال جنسی به وقوع می پیوندند. پسران بیش از دختران پرخاشگر هستند و این ربطی به فرهنگ و کشور ندارد، لذا تحریک جنسی آنها را پرخاشگرتر می کند.

درد: درد جسمی ممکن است سائق پرخاشگری یا انگیزه صدمه یا آسیب رساندن به دیگران را بیدار کند.

انواع پرخاشگری

برای نخستین بار فشباخ (1964، به نقل از ابوالقاسمی، 1384) دو ریخت متفاوت پرخاشگری، یعنی «پرخاشگری خصمانه» و «پرخاشگری ابزاری» را با در نظر گرفتن هدف ها و فوایدی که برای فرد پرخاشگر دارند از یکدیگر متمایز کرد.

پرخاشگری خصمانه: که شامل بسیاری از قتلها، تجاوزها یا دیگر جرایم خشونت آمیز است در پاسخ به شرایط خشم انگیز مانند شنیدن ناسزا، حمله های جسمانی یا شکستهای شخصی برانگیخته می شود. در چنین مواردی هدف پرخاشگر، آسیب رساندن به قربانی است. پرخاشگری خصمانه که با بروز حالت برپایی ناشی از برخی محرکها و بخصوص محرکهای به یاد آورنده حمله یا ناکامی مشخص می شود، سازمان یافتگی رفتاری را از هم می پاشد.

پرخاشگری ابزاری: که با رقابت و میل به دستیابی به برخی از اشیا یا منزلت فرد دیگر آغاز می شود و فرد پرخاشگر کوشش می کند تا به آنچه مورد تمایل اوست دست یابد. معمولاً در اینگونه موارد، قصد صدمه زدن به دیگری وجود ندارد اما اگر کسی مانعی در راه هدف فردی که قصد ارتکاب عمل را دارد ایجاد کند، خود را مجبور می بیند تا به او آسیب رساند یا آنکه از هدف خود صرف نظر نماید.

مایر (1976)، به نقل از ابوالقاسمی، (1384) نیز حداقل 8 نوع پرخاشگری را در حیوانات مشخص کرد که می توانند به اشکال متفاوت در رفتار بشر نیز یافت شوند: پرخاشگری غارتگرانه: رفتار حمله، که حیوان بر علیه آسیب واقعی نشان می دهد. پرخاشگری میان فردی: تهدید، حمله یا رفتار سلطه پذیر توسط یک فرد در پاسخ به فردی قوی.

پرخاشگری ناشی از ترس: رفتار پرخاشگرانه ای است که زمانی که حیوان محبوس است اتفاق می افتد. رفتار حمله معمولاً به موجب تلاش در جهت رهایی صورت می گیرد. به نظر می رسد که ما از لحاظ بیولوژیکی جهت مقاومت در برابر هر نوع تعیین حدود، برنامه ریزی شده ایم، مثلاً کودکانی که توقیف بدنی می شوند، خشم نشان می دهند (استنبرگ و کامپوس 1990؛ به نقل از ابوالقاسمی، 1384).

پرخاشگری بر سر قلمرو: رفتار تهدید یا حمله زمانی که مزاحمی در قلمرو خاک میهن پیدا شود، یا سلطه پذیری و عقب نشینی رفتار زمانیکه حیوان مقابله می کند، می باشد. و

این در حالی است که این رفتارها به حیوان تحمیل می شود. قوانین ما حقوقمان را جهت حمایت از قلمرومان به رسمیت شناخته اند. هرگونه دخالت یا تجاوز نابهنگام از طرف دوستان یا بیگانگان به داخل قلمرومان خیلی جدی تلقی می شود. پرخاشگری مادرانه: حمله یا تهدیدی که توسط زن نسبت به یک مزاحم زمانیکه فرزندش حضور دارد، نشان داده می شود.

پرخاشگری تحریک پذیر: رفتار حمله یا تخریب نسبت به مواردی که در نتیجه ناکامی، درد، محرومیت یا هر عامل فشار آور دیگر باشد، نشان داده می شود. در انسانها ناکامیها فقط زمانی که بزرگ و غیرمنتظره باشند به پرخاشگری منجر می شوند. درد و محرومیت حالات انگیزشی جالب توجهی هستند.

پرخاشگری جنسی: رفتار پرخاشگری بوسیله همان محرکی که رفتار جنسی را فرا می خواند، فرا خوانده می شود. شخصی که ما را از لحاظ جنسی بر می انگیزد، می تواند احساس حسادت و پرخاشگری ما را نیز برانگیزد. روانشناسان تکاملی استدلال می کنند که حسادت به تمایل ما در بقای ژن هایمان در نسلهای بعدی مربوط است (باس، 1994؛ به نقل از ابوالقاسمی، 1384).

پرخاشگری وسیله ای: رفتار پرخاشگرانه ای که آشکارا ناشی از برخی انواع پاداش است. پرخاشگری انسان، بیشتر از نوع پرخاشگری ابزاری است (فرانکن 1998؛ به نقل از ابوالقاسمی، 1384).

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به روش شناسی، از یک سو از نوع مطالعات توصیفی و اکتشافی و از سوی دیگر با در نظر گرفتن نتایج آن، از نوع کاربردی نیز هست. شیوه جمع آوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی بود. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. پس از تدوین پرسشنامه تحقیق و تعیین روایی و پایایی آن، پرسشنامه در اختیار صاحب نظران

این حوزه شامل کارشناسان دادگستری، نیروی انتظامی و اعضای هیئت علمی دانشگاه توزیع و پس از گردآوری پرسشنامه ها داده ها در محیط نرم افزار SPSS وارد و با استفاده از روش آماری آزمون تی و فریدمن مورد تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش را کارشناسان مرتبط به موضوع جرایم در دانشگاه ها و همچنین کارشناسان درگیر با پرونده جرایم (کارشناسان دادگستری و کارشناسان نیروی انتظامی) تشکیل دادند. از این افراد تعداد 104 نفر بصورت روش نمونه گیری هدفمند انتخاب و جهت تکمیل پرسشنامه های تحقیق از آنها استفاده شد.

ابزار پژوهش

جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید، تدوین پرسشنامه و تعیین روایی و پایایی بدین شرح می باشد که: ابتدا با بررسی اسناد و مدارک، مبانی نظری و منابع و مراجع مربوطه و همچنین مصاحبه با کارشناسان پرونده های مرتبط جرایم با هدف احصای آیتم ها در ابعاد مختلف و در نتیجه احصاء 6 بعد اساسی شامل عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل محیطی، عوامل سازمانی، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی؛ سپس بر اساس آیتم های شناسایی شده در یک طیف 7 درجه ای لیکرت شامل ابعاد شناسایی شده پرسشنامه تنظیم گردید. در مرحله بعدی پرسشنامه تدوین شده توسط 10 نفر از متخصصان حوزه آسیب و جرایم از نظر روایی صوری و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته و آیتم های مبهم و کم اهمیت از دیدگاه آن ها حذف گردیده در نهایت آیتم های اصلی شامل 57 سوال انتخاب و در قالب پرسشنامه تدوین شد. در نهایت پرسشنامه تدوین شده در اختیار نمونه به تعداد 104 نفر قرار گرفته و از آن ها خواسته شد که اهمیت هر یک از آیتم های پرسشنامه را در بروز جرایم خشونت آمیز را از 1 تا 7 تعیین کنند. روایی سؤالات پرسشنامه بصورت محتوایی توسط کارشناسان مربوط تعیین گردید. جهت تعیین پایایی ابزار اندازه گیری از روش

شناسایی عوامل ارتکاب جرایم خشونت آمیز ...

آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج به دست آمده نشانگر پایای مناسب هر یک از ابعاد می باشد، نتایج آلفای کرونباخ به شرح زیر می باشد.

جدول (1) ضرایب پایایی آیتم های پرسشنامه محقق ساخته

عوامل						سؤال های متغیر
عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی	عوامل سازمانی	عوامل محیطی	عوامل خانوادگی	عوامل فردی	
0/76	0/80	0/77	0/75	0/83	0/82	ضریب پایایی
5سوال	8سوال	13سوال	10سوال	7سوال	15سوال	تعداد سوال

روش تجزیه تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی شامل نمودار، درصد و سایر آماره ها و در آمار استنباطی به منظور شناسایی و اولویت بندی عوامل و آیتم های شناسایی شده از آزمونهای آماری تی تک نمونه ای و آزمون رتبه ای فریدمن استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-20 مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی های پژوهش: از بین 104 نفر نمونه شرکت کننده در پژوهش، 37 نفر به عنوان کارشناس دانشگاهی، 38 نفر به عنوان کارشناس انتظامی و 29 نفر به عنوان کارشناس دادگستری حضور داشتند، سایر اطلاعات مربوط به شرکت کنندگان به شرح زیر ارائه می گردد:

جدول (2) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن، جنس و تحصیلات

کارشناسان شرکت کننده در پژوهش		ویژگی ها	
درصد	فراوانی	متغیر	
10/56	11	30-20	سن
43/26	45	40-30	
40/38	42	50-40	
5/76	6	50 و بالاتر	
91/34	95	مرد	جنس
8/65	9	زن	
39/42	41	لیسانس	تحصیلات
34/46	40	فوق لیسانس	
22/11	23	دکتری	
39/42	41	تا ده سال	سابقه کار
45/19	47	ده تا 20 سال	
15/38	16	20 سال به بالا	

جدول (3) میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	متغیر
11/63	62/11	عوامل فردی
6/26	31/84	عوامل خانوادگی
9/12	45/32	عوامل محیطی

14/91	59/72	عوامل سازمانی
6/73	37/58	عوامل فرهنگی
6/35	30/60	عوامل اقتصادی

یافته های استنباطی (تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش)

فرضیه اول: عوامل فردی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تاثیر معنادار دارد. جهت بررسی تاثیر فرضیه فوق از آزمون تی استفاده گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (4) تاثیر عوامل فردی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز و مقدار آماره t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل فردی	54/4	103	0/001

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است. براساس نتایج ارائه شده، مقدار آماره t برای آزمون این فرضیه 54/4 بوده و در سطح معناداری 5 درصد، فرضیه صفر مبنی بر معنادار نبودن تاثیر عوامل فردی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز رد می گردد. به عبارت دیگر مولفه های عوامل فردی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز موثر بوده و در سطح معناداری 5 درصد، تأثیر معناداری بر آن دارد. از این رو فرضیه اول تحقیق تایید می گردد.

فرضیه دوم: عوامل خانوادگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تاثیر معنادار دارد. جهت بررسی تاثیر فرضیه فوق از آزمون تی استفاده گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (5) تاثیر عوامل خانوادگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز و مقدار آماره t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل خانوادگی	51/6	103	0/001

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. براساس نتایج ارائه شده، مقدار آماره t برای آزمون این فرضیه 51/6 بوده و در سطح معناداری 5 درصد، فرضیه صفر مبنی بر معنادار نبودن تاثیر عوامل خانوادگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز رد می‌گردد. به عبارت دیگر مولفه های عوامل خانوادگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز موثر بوده و در سطح معناداری 5 درصد، تأثیر معناداری بر آن دارد. از این رو فرضیه دوم تحقیق تایید می‌گردد.

فرضیه سوم: عوامل محیطی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تاثیر معنادار دارد. جهت بررسی تاثیر فرضیه فوق از آزمون تی استفاده گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (6) تاثیر عوامل محیطی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز و مقدار آماره t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل محیطی	50/42	102	0/001

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. براساس نتایج ارائه شده، مقدار آماره t برای آزمون این فرضیه 50/4 بوده و در سطح معناداری 5 درصد، فرضیه صفر مبنی بر معنادار نبودن تاثیر عوامل محیطی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز رد می‌گردد. به عبارت دیگر مولفه های عوامل محیطی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز موثر بوده و در سطح معناداری 5 درصد، تأثیر معناداری بر آن دارد. از این رو فرضیه سوم تحقیق تایید می‌گردد.

شناسایی عوامل ارتکاب جرایم خشونت آمیز ...

فرضیه چهارم: عوامل سازمانی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تاثیر معنادار دارد. جهت بررسی تاثیر فرضیه فوق از آزمون تی استفاده گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (7) تاثیر عوامل سازمانی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز و مقدار آماره t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل سازمانی	40/82	103	0/001

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. براساس نتایج ارائه شده، مقدار آماره t برای آزمون این فرضیه 40/8 بوده و در سطح معناداری 5 درصد، فرضیه صفر مبنی بر معنادار نبودن تاثیر عوامل سازمانی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز رد می گردد. به عبارت دیگر مولفه های عوامل سازمانی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز موثر بوده و در سطح معناداری 5 درصد، تأثیر معناداری بر آن دارد. از این رو فرضیه چهارم تحقیق تایید می گردد.

فرضیه پنجم: عوامل فرهنگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تاثیر معنادار دارد. جهت بررسی تاثیر فرضیه فوق از آزمون تی استفاده گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (8) تاثیر عوامل فرهنگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز و مقدار آماره t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل فرهنگی	56/95	103	0/001

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. براساس نتایج ارائه شده، مقدار آماره t برای آزمون این فرضیه 56/9 بوده و در سطح معناداری 5 درصد، فرضیه صفر مبنی بر معنادار نبودن تاثیر عوامل فرهنگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز رد می گردد. به عبارت دیگر مولفه های عوامل فرهنگی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز

موثر بوده و در سطح معناداری 5 درصد، تأثیر معناداری بر آن دارد. از این رو فرضیه پنجم تحقیق تایید می گردد.

فرضیه ششم: عوامل اقتصادی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تأثیر معنادار دارد. جهت بررسی تأثیر فرضیه فوق از آزمون تی استفاده گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (9) تأثیر عوامل محیطی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز و مقدار آماره t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل اقتصادی	49/11	103	0/001

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. براساس نتایج ارائه شده، مقدار آماره t برای آزمون این فرضیه 49/11 بوده و در سطح معناداری 5 درصد، فرضیه صفر مبنی بر معنادار نبودن تأثیر عوامل اقتصادی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز رد می گردد. به عبارت دیگر مولفه های عوامل اقتصادی بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز موثر بوده و در سطح معناداری 5 درصد، تأثیر معناداری بر آن دارد. از این رو فرضیه ششم تحقیق تایید می گردد.

در ادامه برای تعیین اولویت مولفه های موثر بر بروز جرایم خشونت آمیز، از آزمون فریدمن استفاده شده و نتایج آن در جدول (10) ارائه شده است.

جدول (10) نتایج آزمون فریدمن برای اولویت بندی مولفه های موثر بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز

میانگین	مولفه
5/48	عوامل فردی
5/21	عوامل سازمانی

شناسایی عوامل ارتکاب جرایم خشونت آمیز ...

3/84	عوامل محیطی		
2/93	عوامل فرهنگی		
1/94	عوامل خانوادگی		
1/60	عوامل اقتصادی		
prob=0/00	df=5	$\chi^2=394/42$	n=103

با توجه به یافته‌ها در جدول مذکور، فرض H_0 در سطح اطمینان 95 درصد رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که از بعد اهمیت و تأثیرگذاری، بین مولفه‌های موثر بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز تفاوت معناداری وجود دارد. بدین صورت که مطابق با جدول 4-9، به ترتیب مولفه‌های فردی (5/48)، مولفه سازمانی (5/21)، مولفه محیطی (3/84)، مولفه فرهنگی (2/93)، مولفه خانوادگی (1/94) و مولفه اقتصادی (1/60) بیشترین اهمیت را در بین مولفه‌های موثر بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز داشته و در الویت‌های اول تا ششم قرار گرفتند.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه عوامل فردی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان که این تاثیر معنادار می‌باشد. از این رو فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد. همچنین اولویت بندی راهکارها و عوامل مرتبط با جرایم خشونت آمیز نشان داد عوامل فردی اولین تاثیر را از دیدگاه کارشناسان این حوزه داشته است. مولفه‌های عوامل فردی شامل جلب توجه دیگران، هیجان خواهی، انتقام جویی، حسادت، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، مشکلات روانشناختی، نداشتن مهارت کنترل خشم، ضعف اعتقادات دینی، ناتوانی در حل مسائل شخصی، تحریک پذیری، تحصیلات پایین، مسائل ناموسی و اخلاقی و مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر می‌باشند. همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های واعظی و همکاران با عنوان بررسی

عوامل مؤثر بر رفتار خشونت آمیز جوانان: مطالعه موردی محلات حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر کرمانشاه (واعظی، و همکاران، 1395) و مقاله ناصر پوربا عنوان بررسی جرم شناختی علل افزایش جرایم خشونت آمیز در شیراز و راه‌های پیشگیری از آن (ناصر پور، 1392) مطابقت دارد و طبق گزارش این پژوهش‌ها و یافته‌های ما انتقام‌گیری و نداشتن مهارت‌های ارتباطی و تحریک‌پذیری و کمبود آستانه تحمل از اصلی‌ترین دلایل به ارتکاب جرایم در این مولفه بوده‌اند. که با یادگیری مهارت‌های ارتباطی در سنین کم‌بویژه در مدارس و تربیت صحیح می‌توان بسیاری از این مخاطرات فردی را کاهش داد.

فرضیه دوم پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه عوامل خانوادگی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان‌دهنده این تاثیر معنادار می‌باشد. از این رو فرضیه دوم تحقیق تایید می‌گردد. همچنین اولویت بندی راهکارها و عوامل مرتبط با جرایم خشونت آمیز نشان داد عوامل خانوادگی پنجمین تاثیر را از دیدگاه کارشناسان این حوزه داشته است. مولفه‌های عوامل خانوادگی شامل تربیت نامناسب خانوادگی، عدم نظارت پدر و مادر، اختلافات خانوادگی و کمبود محبت در خانواده، بی‌سوادی والدین، داشتن خانواده ناباب، یادگیری خشونت از والدین و عدم آشنایی والدین با سبک فرزند پروری می‌باشد.

یافته‌های ما با یافته‌های محسنی تبریزی با موضوع بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرایم (محسنی تبریزی، ع، 1386) و نتایج تحقیق فتحی و همکاران با موضوع مقایسه‌ی رفتارهای خشونت آمیز، طغیانی، ضداجتماعی، آشفستگی روانی دانش آموزان دختر و پسر نشان (فتحی، ع و همکاران، 1395) و باقری و همکاران با موضوع بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم (باقری، م، 1388) مطابقت دارد و طبق گزارش این پژوهش‌ها و یافته‌های ما تربیت نامناسب خانوادگی، اختلافات خانوادگی و طلاق، یادگیری خشونت از والدین و عدم شناخت والدین از روش‌های تربیتی و بی‌سوادی

والدین از جمله عوامل مهم این پژوهش هستند، این یافته نشان دهنده آن است که هرچه قدر خانواده‌ها دارای انسجام بیشتر باشند و والدین از سطح سواد بالاتری برخوردار باشند احتمال بروز جرایم خشونت آمیز در افراد آن خانواده کاهش می‌یابد پس لازمه تشکیل خانواده‌های منسجم از الویت‌های اصلی جامعه می‌باشد.

فرضیه سوم پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه عوامل محیطی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان که این تاثیر معنادار می‌باشد. از این رو فرضیه سوم تحقیق تایید می‌گردد. همچنین اولویت بندی راهکارها و عوامل مرتبط با جرایم خشونت آمیز نشان داد عوامل محیطی سومین تاثیر را از دیدگاه کارشناسان این حوزه داشته است. مولفه‌های عوامل محیطی شامل اعتقاد به وجود تبعیض در جامعه و ظلم، یادگیری روش برخورد پرخاشگرانه از محیط زندگی، هم‌رنگ شدن و جلب مقبولیت دوستان، ناتوانی در سازگاری با محیط جدید به علت مهاجرت، محیط مستعد و نامناسب قهوه‌خانه‌ها، زندگی در محیط‌های جرم‌خیز و نامناسب و محله‌های سطح پایین، افزایش توهین و فحاشی، افزایش بی‌رویه جمعیت، تماشای فیلم‌ها و بازی‌های خشونت آمیز و اختلاف مالی و ملکی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های اکبری و همکاران در مقاله تحلیل فضایی اجتماعی جرایم خشونت آمیز در شهر کرمانشاه (اکبری و همکاران، 1395) و پژوهش محسنی تبریزی با موضوع بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرایم خشونت آمیز جوانان ذکور 18 تا 25 ساله همدانی (محسنی تبریزی، ع، 1386) و مقاله ناییبی با موضوع نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت آمیز (ناییبی و همکاران، 1390) و پژوهش کاشانی با عنوان نقش آموزش‌های شهروندی در بروز رفتارهای خشونت آمیز شهری (مورد مطالعه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه سال تحصیلی 1393_1394 شهر تهران) (کاشانی، م و همکاران، 1394) مطابقت دارد. از جمله عوامل مهم این مورد میتوان به زندگی در مناطق حاشیه‌ای شهر و یادگیری خشونت از طریق تماشای فیلم‌های خشن و هم‌رنگ

شدن و جلب مقبولیت دوستان را نام برد که برای کنترل و کاهش این عوامل باید نسبت به مهاجرت های بی رویه به حاشیه شهر ها اقدامات اساسی انجام شود و همچنین در مناطق جرم خیز اقدامات فرهنگب بیشتری نسبت به سایر مناطق شهری انجام پذیرد. فرضیه چهارم پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه عوامل سازمانی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز دارد. نتایج تحلیل ها نشان که این تاثیر معنادار می باشد. از این رو فرضیه چهارم تحقیق تایید می گردد. همچنین اولویت بندی راهکارها و عوامل مرتبط با جرایم خشونت آمیز نشان داد عوامل سازمانی دومین تاثیر را از دیدگاه کارشناسان این حوزه داشته است.

مولفه های عوامل سازمانی شامل مجازات جرایم خشونت آمیز خیلی زیاد نیست، عدم وجود نظارت و کنترل از طرف مراجعی مثل نیروی انتظامی، خوشایند و جالب بودن محیط زندان و نداشتن اثر تنبیهی لازم، نبود بانک اطلاعاتی مرتکبین جرایم خشونت آمیز عدم همکاری در سطح ادارات و سازمانها جهت ریشه کنی جرایم خشونت آمیز، ضعف اقدامات و تجهیزات پلیس در دستگیری، ضعف رسانه ها در پخش برنامه های آموزنده، ضعف تبلیغات شهری، نبود برنامه های شاد و مفرح در سطح شهر و جامعه، ضعف مقررات و قوانین موجود، نبود یا کارساز نبودن برنامه های آموزشی و بازپروری در زندانها، اطلاع دادرسی و نارضایتی از روند دادرسی و طولانی بودن حل مشکلات از روند قانونی می باشد. یافته های ما نشان میدهد که با تقویت عوامل سازمانی میتوان بر وقوع جرایم خشونت آمیز تاثیر منفی گذاشت و باعث کاهش این جرایم گردید، عباس عبدی در مقاله خود با عنوان مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم در سال 1393 به این موضوع اشاره کرده است که ضعف قوانین و مقررات موجود و عدم همخوانی بین جرم و مجازات باعث وقوع دوباره جرم میگردد.

فرضیه پنجم پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه عوامل فرهنگی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز دارد. نتایج تحلیل ها نشان که این تاثیر معنادار می باشد. از این رو

فرضیه پنجم تحقیق تایید می گردد. همچنین اولویت بندی راهکارها و عوامل مرتبط با جرایم خشونت آمیز نشان داد عوامل فرهنگی چهارمین تاثیر را از دیدگاه کارشناسان این حوزه داشته است. مولفه های عوامل فرهنگی شامل ضعف در فرهنگ گذشت و بخشش، از بین رفتن فرهنگ ریش سفیدی، نبود الگوها و شخصیت های ورزشی - فرهنگی و هنری، ضعف در تبلیغات و آموزش فرهنگی، تهاجم فرهنگی دشمن، از بین رفتن آداب و سنن قدیمی، ارزش شدن حل مسائل از راه خشونت آمیز و تعصبات قومی و فرهنگی می باشند.

یافته های پژوهش حاضر با یافته های اسدپور و همکاران در مقاله ای با عنوان بررسی عوامل جرم شناختی در نزاع دسته جمعی و مقاله عابدینی و همکاران (1392) با عنوان فراتحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه درگیریهای دسته جمعی مطابقت دارد و تعصبات قومی و فرهنگی و ارزش شدن حل مسائل از راه خشونت را میتوان از اصلی ترین موارد این مولفه نام برد .

فرضیه ششم پژوهش عبارت بود از اینکه مولفه عوامل اقتصادی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم خشونت آمیز دارد. نتایج تحلیل ها نشان که این تاثیر معنادار می باشد. از این رو فرضیه ششم تحقیق تایید می گردد. همچنین اولویت بندی راهکارها و عوامل مرتبط با جرایم خشونت آمیز نشان داد عوامل اقتصادی ششمین تاثیر را از دیدگاه کارشناسان این حوزه داشته است مولفه های عوامل اقتصادی شامل عدم حمایت دولت و نهادها در ایجاد اشتغال و درآمد، فشار اقتصادی (تورم و مشکلات عصبی)، بیکاری، نداشتن درآمد کافی و اعتقاد به وجود تبعیض اقتصادی در جامعه می باشد.

نتایج و یافته های پژوهش یوسف وند و همکاران در سال 1394 با موضوع تبیین رابطه جرایم خشونت آمیز (سرقت، ضرب و جرح و قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران نشان می دهد که بیکاری و نداشتن درآمد کافی و وجود تبعیض اقتصادی در جامعه از عوامل مهم این مولفه است. همچنین با پژوهش عباس شیخ

الاسلامی و همکاران با عنوان آسیب شناسی جرایم خشن و خطرناک و راه کارهای پیشگیرانه از آن در حوزه های قضایی شرق تهران مطابقت دارد که عواملی مانند کاهش فشار اقتصادی و ایجاد شرایط زندگی ایده آل را در تامین کاهش جرایم خشونت آمیز موثر می داند.

منابع:

- ابوالقاسمی، عباس؛ برهمند، اوشا؛ کیامرثی، آذر. (1384). روانشناسی در اجتماع. چاپ اول، انتشارات رهرو دانش.
- اتکینسون، ریتا ال (1996): کودک و مدرسه. ترجمه: نوایی نژاد، شکوه (1371)، تهران: انتشارات رشد.
- احدی، حسن؛ محسنی، نیک چهره. (1374). روانشناسی رشد مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- اکبری، مهدی؛ صادقی، مظفر و شیراوند، مهران (1393): تحلیل فضایی-زمانی وقوع جرایم در فضاهای شهری (عرضه، خرید و فروش و سوء مصرف مواد مخدر در منطقه 16 کلانشهر تهران)؛ دوفصلنامه مدیریت شهری؛ شماره 37؛ صفحات 57-72.
- اکبری، امین؛ ملکی، امیر؛ زاهدی، محمدجواد و رستمی، شاه بختی (1395). تحلیل فضایی اجتماعی جرایم خشونت آمیز در شهر کرمانشاه. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی: 19-50.

- بیورانی، حسین و غفران، علی (1388)؛ تبیین و به کارگیری مدل تصمیم‌گیری چند معیاره TOPSIS برای رتبه‌بندی مناطق مختلف شهری از منظر حجم و بزهکاری؛ کارآگاه؛ دوره دوم؛ سال دوم؛ شماره 8؛ صص 109-128.
- پرفیت، آلن، پاسخ‌هایی به خشونت، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش، تهران، 1378.
- پورچیتساز، مرضیه (1382)، مقایسه عوامل مؤثر بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی راهنمایی شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس.
- حکمت‌نیا، حسن و افشانی، سید علیرضا (1389)؛ حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی مطالعه‌ی موردی: شهر یزد؛ پژوهش‌های جغرافیای انسانی؛ شماره 72؛ صص 157-166.
- زندکرمی، بصیره (1388)، مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین و عوامل شخصیتی در بین دانش‌آموزان دختر پرخاشگر و غیرپرخاشگر. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (1388). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران، نشر سمت.
- عبداللهی، محمد و مسعود چلبی (1372). طرح تحقیقی توصیف و تبیین نزاع‌های جمعی در لرستان، لرستان: دفتر امور اجتماعی استانداری لرستان.
- عبداللهی حقی، مریم (1383). پیشگیری جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربردی اراضی شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- ساروخانی، باقر؛ نویدنیا، منیژه (1385). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، 6 (22)، 106-87.

- کتابی، صمیمه؛ ماهر، فرهاد و بر جعلی، احمد. (1387). بررسی نیمرخ شخصیتی معتادان به مواد مخدر با استفاده از دو نظام شخصیتی کلونینجر و آیزنگ، اعتیاد پژوهی، سال سوم، شماره 7، ص 26-46.
- کریمی، یوسف. (1384). روانشناسی شخصیت. چاپ نهم، تهران، نشر ویرایش.
- کلاتری، محسن (1380)؛ بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران؛ پایان نامه دوره دکتری رشته جغرافیا، گرایش برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر محمد تقی رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- کریمی، یوسف (1387). روان شناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: انتشارات ارسباران.
- کلاتری، محسن (1380)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- کلاتری، محسن (1380)؛ بررسی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا و مهدی سلیمان (1389). مجله مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان، شماره 24
- محمدی، یحیی (1386)، آسیب شناسی روانی (تالیف سلیمین و روز نهمان). جلد دوم، تهران، انتشارات ارسباران.
- محمدی، حکمت (1390). بررسی آسیب های ارتباطی بین والدین - فرزندان و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی و متوسطه استان اردبیل. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل.

- موسوی فرد، سجاد اختری، سید رضا. مومنی، سجاد؛ حیدری، عباس (1396). بررسی ارتکاب جرایم با تاکید بر جرایم خشونت آمیز. مجله نخبگان علوم و مهندسی. جلد 2، شماره 2، سال 96.
- ناصری، حسین. (1381). بررسی رابطه خوداثربخشی سلامت روانی در دانش آموزان موفق و ناموفق مراکز متوسطه شبانه روزی پسرانه در سال 80-81. پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی. دانشگاه تبریز.
- وایت، راب و فیونا هینز (1381) جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

